

نوروز کهن‌ترین آیینی است که روایت‌های تاریخی گوناگونی درباره پیدایش آن وجود دارد. اما همه این روایت‌ها به اینجا ختم می‌شود که نوروز جشن آغاز سال، آغاز فروردین یا «فرودگان» و یادآور اجداد و نیاکان ما است. در این میان خانه‌تکانی همواره مهمترین و نخستین آیینی بود که برای استقبال از نوروز و روان درگذشتگان انجام می‌شد.

در بعضی از نقاط ایران رسم بود که حتی خانه‌ها را رنگ آمیزی می‌کردند و اگر میسر نمی‌شد، دست کم دیوارهای همان اتاقی که هفت سین در آن چیده می‌شد، سفید می‌کردند.

واجب می‌دانستند کوزه‌های کهنه را بشکنند چرا که جایگاه آلودگی‌ها و اندوه‌های یک ساله بود. ظرف‌های مسین را به رویگران می‌سپردند. نقره‌ها را جلا می‌دادند. گوشه و کنار خانه را از گرد و غبار پاک می‌کردند. تیرگی‌های یک ساله را فرش و گلیم‌ها می‌زدودند. ایرانیان بر این باور بودند که ارواح مردگان، فروهرها (ریشه کلمه فروردین) در این روزها به خانه و کاشانه خود باز می‌گردند، اگر خانه را تمیز و بستگان را شاد ببینند، خوشحال می‌شوند و برای باز ماندگان خود دعا می‌فرستند و اگر نه، غمگین و افسرده بازمی‌گردند. از این رو چند روز به نوروز مانده در خانه مُشک و عنبر می‌سوزاندند و شمع و چراغ می‌افروختند.

خانه‌تکانی؛ همگانی با طبیعت

با آمدن نوروز و نو شدن زمانه مردم همراه طبیعت از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر، گذاری رمزگونه دارند، چنانکه به تعبیر میرچالیاده: «آغاز هر فصل نوینی از زندگی، یک مرحله گذار نامیده می‌شود. این موضوع در بسیاری از رسم‌ها و آداب مربوط به زناشویی، آیینی، بلوغ، مرگ و نوشدگی سال میان اقوام مختلف جهان به خوبی مشاهده می‌شد.»

این گذار در آیین‌های نوروزی در گذشته از ابتدای اسفند همراه با خانه‌تکانی و پلشت‌زدایی در روزهای پایانی سال کهنه، از آنچه رنگ فرسودگی و سیاهی دارد، آغاز می‌شود.

زدودن کهنگی از زندگی مدرن

امروزه نیز در آخرین روزهای سال خانواده‌های ایرانی به تلاش و تکاپو می‌افتند تا خانه‌هایشان را پاکیزه کنند و نشاط بهار به جان خود بریزند.

«محمود روح الامینی»، مردم‌شناس نیز در کتاب «آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز» درباره خانه‌تکانی در عصر حاضر می‌گوید: «اصطلاح خانه‌تکانی را بیشتر در مورد شستن، تمیز کردن، نو خریدن، تعمیر کردن ابزارها، فرش‌ها و لباس‌ها به مناسبت فرارسیدن نوروز به کار می‌بردند. در این خانه‌تکانی که سه تا چهار هفته طول می‌کشد، باید تمامی ابزار و وسیله‌هایی که در خانه است، جا به جا، تمیز، تعمیر و معاینه شده و دوباره در جای خود قرار گیرد. برخی از ابزار سنگین وزن، یا فرش‌ها، تابلوها، پرده‌ها و وسیله‌های دیگر فقط سالی یک بار، آن هم در خانه‌تکانی نوروزی، جا به جا و پاکیزه می‌شود.»

روح الامینی درباره آیین‌های خانه‌تکانی در شهرهای مختلف

ارواح می‌آیند. کوزه‌ها را بشکنید. مشک و عنبر بسوزانید. نقره‌ها را جلا دهید. ظرف‌های مسین را به رویگران بسپارید. گرد و غبار از گوشه و کنار خانه بروید. فروهرها به میهمانی پنج روزه می‌آیند. لباس نو بر تن کنید. شاد باشید که غم شما بر دل آنها ننشیند و تا سال دگر بر دوششان سنگینی نکند.

درهم ریختگی و سپس نظم؛ خانه برای نظافت زیر و رو می‌شود. اثاثیه کهنه را دور می‌ریزند جایش نو می‌خرند. خانه را مهیا می‌کنند تا میزبان فروهرها شوند و آنها را با شادی بدرقه کنند.

نیاکان ما چنین می‌پنداشتند که پنج شب نخست سال، ارواح مردگان، برای دیدار وضع زندگی و احوال بازماندگان به زمین فرود می‌آیند. به از خانه و آشیانه خویش سرکشی می‌کنند. اگر خانه روشن و پاکیزه باشد و ساکنانش در راحتی و شادی به سربرند، ارواح مسرور و سرفراز بازمی‌گردند. در غیر اینصورت، بازگشت آنها همراه با غم است و تا سال آینده نگران بازماندگان خود می‌مانند.

خانه‌تکانی؛ نخستین قدم استقبال از روان درگذشتگان



ایران می‌گوید: «در شهرهای آذربایجان هر چهارشنبه اسفند را به یک نام می‌خواندند چهارشنبه اول برای خرید، چهارشنبه دوم برای تمیز کردن خانه، چهارشنبه سوم برای سبزی کاشتن و چهارشنبه چهارم برای دور ریختن وسایل زاید بود. این رسم در شهرهای آذربایجان هنوز هم وجود دارد.»

خیزشی جمعی برای خانه‌تکانی

درباره سابقه خانه‌تکانی اطلاع دقیقی وجود ندارد. چرا که اطلاعات مربوط به این رسوم در کتاب‌ها بیشتر معطوف به ۳۰۰ سال گذشته است از این رو آگاهی از پیشینه خانه‌تکانی بسیار محدود است. اما با توجه به اعتقادات ایرانیان این رسم از گذشته کهن وجود داشته و تا امروز ادامه یافته است.

از سال‌های دور ایرانیان در آخرین روزهای سال، خیزشی جمعی برپا می‌کردند تا با پلشت زدایی و نابودی ارواح زیانکاری که در سیاهی، کهنگی و مرگ آشیانه گزیده‌اند، به استقبال سال نو روند. این خیزش در اجرای مراسمی چون غبار روبی و پاکسازی خانه و محیط زیست (خانه‌تکانی)، شکستن و دور افکندن کوزه‌های سفالین کهنه آبخوری، نو کردن اسباب و اشیای فرسوده و ناکارآمد، سفید و نقاشی کردن دیوارهای خانه، تطهیر جلوه می‌کرد. همچنین پاکیزه کردن سر و تن و جامه و کنار گذاشتن لباس‌های کهنه و ژنده و پوشیدن جامه‌های نو و پاکیزه، گندزدایی خانه با سوزاندن و دود کردن اسفند و کندر و افشاندن بوی خوش از دیگر مراسم مربوط به این روزها بود.

ایرانیان خار و خاشاک و شاخه‌های خشک درختان را در شب آخر سال یا شب چهارشنبه سوری آتش می‌زدند و می‌سوزاندند، کار و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی معمول روزانه را متوقف می‌کردند تا با خیالی آسوده به انتظار آمدن بهار بنشینند. اگر چه امروز بسیاری از اعتقادات گذشته چون از بین بردن ارواح زیانکار از اذهان ایرانی‌ها رخت بر بسته اما هنوز هم خانواده‌ها بسیاری از مراسم پیشین را برای استقبال از سال تازه انجام می‌دهند.

تقلید از طبیعت

در عید نوروز مردم از طبیعت تقلید کرده به همه چیز زندگی نو می‌دادند. ظروف مسی خانه به سفیدگری فرستاده می‌شد. باید مس‌ها برای روز عید رویگری شده، براق و درخشان بود. آب حوض و آب انبار خانه را حتما عوض می‌کردند، فرش‌ها را تکان داده، گرد دیوار اتاق‌ها را اگر گل سفید نرزه بودند، می‌گرفتند و پیش از تحویل خورشید به برج حمل، رخت نو پوشیده، سر سفره عید می‌رفتند.

ایرانیان، آمدن نوروز و نوشدگی سال، تجدید حیات رستنی‌ها و رویش دوباره گیاهان و نباتات را با راه انداختن پیک‌های نوروزی، کاشتن و رویاندن دانه‌های گیاهی و آتش زدن بوته و خار و شاخه‌های خشک و مرده درختان در شب چهارشنبه سوری اعلام می‌کردند.

تهران قدیم و خانه‌تکانی

مردم تهران قدیم نیز همانند سایر مردمان ایران، برای رفتن به پیشواز نوروز خانه‌تکانی می‌کردند. شرح مفصل خانه‌تکانی آن‌ها را جعفر شهری در جلد چهارم «تهران قدیم» آورده است: «پس از آسوده شدن از تهیه رخت و لباس و کفش و کلاه خود و بچه‌ها، نوبت به خانه‌تکانی می‌رسید و این سنتی بود که در خانه هیچ اعیان و گدا تعطیل پذیر نبود و اگر خانه جباخانه (کنایه از تجمل

خانه) یا مسجد و مرده شوخانه بود، باید دل و جزو آن بیرون ریخته شده، پاکیزه، نظیف، شسته و گردگیری شده و مرتب به جاهای خود عودت داده می‌شدند.»

جعفر شهری چنین ادامه می‌دهد که با همین خانه‌تکانی‌های عید هم بود که اشیا زاید یکساله بیرون ریخته شده، دل‌ها به دریا زده شده، حلبی زنگ زده‌ها و شکسته قراضه‌ها مانند آفتابه، سماورهای حلبی که بیش از قیمت خود پول لحیم‌کاری برده بود و چراغ موشی‌های نشتی که به کلفتی خود به اطرافشان قره قورت چسبیده و به داخلشان گچ ریخته شده بود و شیشه پلیته‌های شکسته بی‌مصرف مانند کاسه پیاله‌های ترک خورده و لب پریده که تا این هنگام، دل به دور انداختنشان راضی نمی‌شد به بیرون افکنده شده یا برای فروش به دوره گرد‌ها کنار گذاشته می‌شدند.»

او در شرح خانه‌تکانی می‌گوید: «خانه‌تکانی شامل بود بر فرش‌تکانی، از کلیسم و قالی و نمد و حصیر که کوچک و بزرگ یکایک میان کوچه‌ها آمده با تکان دادن و چوب و ترکه زدن تکانیده و خاک‌گیری گشته به حیاط‌ها برگردانده شده، جارو خورده، کهنه‌تر کشیده شده کنار می‌رفتند.»

شست و شوی پرده‌ها، رو فرش‌ها، چادر شب‌ها، روتشکی‌ها، رویه پشتی‌ها، ملحفه‌ها، رویه متکاها و بالش‌ها، همه البسه از زیر و رو از دیگر اقداماتی است که جعفر شهری عنوان می‌کند.

در خانه‌تکانی‌های تهران قدیم، پاکیزه و جلا دادن ظروف نیز از نظر دور نمی‌ماند چنانکه به گفته شهری، دادن مس‌ها برای سفید کردن به سفیدگری، سابیدن ظروف برنجی و ورسوی مانند سماور، سینی، زیراستکانی، جام، انگاره، با گرد آجر و شست گرداندن و گل انداختن به آن‌ها، لیف و صابونی کردن ظروف نقره و در صورت سیاه شدگی دادن آن‌ها به آبکار، و گل مالی و خاکستر مالی ظروف دم دستی مانند دیگ و دیگور و کماجدان و نظافت بلورآلات و چینی‌آلات مرسوم بوده است.

علاوه بر همه اینها، خانواده‌ها در تهران قدیم همچنین درها و شیشه‌ها را می‌شستند. اطاق‌ها و صندوق خانه‌ها را جارو می‌کشیدند. همچنین تار عنکبوت‌گیری، گردگیری و دوده‌گیری دیوارها، کنج و گوشه‌ها و سقف‌های گچی با جارو نرمه‌هایی انجام می‌شد که بر سر چوب‌ها می‌کردند و تمیز کردن هر خرد و بزرگ با مصرف و بی‌مصرف را فراموش نمی‌کردند.

در همین روزهای پیش از عید بود که زن‌ها از خانه‌ها به کوچه‌ها و کنار جوی‌ها می‌آمدند و گرد و خاک و غباری بود که از فرش‌تکانی‌های خود به هوا متصاعد می‌ساختند. دو سوی جوی‌ها را برای شست‌وشو اشغال می‌کردند.

هفت دانه به نشان هفت امشاسپند

ایرانی‌ها در گیر و دار خانه‌تکانی و از ۲۰ روز به روز عید مانده سبزه سبزی می‌کردند. گندم، جو، برنج، لوبیا، عدس، ارزن، نخود، کنجد، باقلا، کاجیله، ذرت و ماش دانه‌هایی بودند که برای سبزی شدن انتخاب می‌شدند.

این دانه‌ها را به شماره هفت - نماد هفت امشاسپند - یا دوازده «شماره مقدس برج‌ها» در ستون‌هایی از خشت خام بر می‌آوردند و بالیدن هر یک را به فال نیک می‌گرفتند و بر آن بودند که آن دانه در سال نو موجب برکت و باروری می‌شود. خانواده‌ها بطور معمول سه قاب از گندم و جو و ارزن به نماد هومت (= اندیشه نیک)، هوخت (= گفتار نیک) و هوورشست (کردار نیک) سبزی می‌کردند و فروهر نیاکان را موجب بالندگی و رشد آنها می‌دانستند.